

بررسی نقش حیوانات در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های عامیانه میناب

سهراب سعیدی*

محبوبه اسماعیلی**

چکیده

ادبیات عامه یکی از منابع غنی برای مطالعه فرهنگ و تاریخ یک جامعه است. دویته‌ها، لالایی‌ها، ترانه‌های عامیانه، ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها، در عین ساختار ساده و مختصرشان، در معنا بسیار عمیق‌اند و هر کدام داستان و رویدادی را در دل خود نهفته دارند. شهرستان میناب نیز بعنوان یکی از نقاط کشور دارای ادبیات شفاهی غنی و بکر است که متأسفانه محققان کمتر بدان پرداخته‌اند. در این مقاله با روش تحلیل محتوا و با استفاده از ابزار کتابخانه، چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌های رایج در این شهر که محتوای آن‌ها نام یا نقش انواع حیوانات‌اند، استخراج، بررسی و تحلیل می‌گردد. نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که موضوع غالب در کاربرد نام حیوانات در مثل‌ها، انعکاس مسائل اخلاقی و آموزشی است. همچنین بیشترین کارکرد چیستان‌ها متوجه نهاد تعلیم و تربیت بوده که تقویت هوش و حافظه را بدنبال داشته است.

کلید واژه: ضرب‌المثل، چیستان، ادب شفاهی، هرمزگان، میناب

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه و دبیر آموزش و پرورش میناب

sohrab_minab@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۵

mahboobeh_e2000@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی



مقدمه

فرهنگ عامه طرز تفکر و روحیات و چگونگی زندگی مردم عوام را مشخص نموده و گذشته را با امروز مرتبط می‌سازد از این رو فرهنگ عامه را باید در متن زندگی و درون زندگی مردم جست و جود کرد. فرهنگ عامیانه به دو بخش بزرگ تقسیم می‌شود یکی از آن بخش‌ها آداب و رسوم و سنت‌های مردم و بخش دیگر آن ادبیات عامه (ادبیات شفاهی) است که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد. در تعریفی دیگر: «فرهنگ عامه تاریخ زندگی یک قوم است از احساسات و عواطف انسان‌ها، از تجربیات و مبارزات و کیفیت معیشت آنها گفت و گو و از ظلم و بیداد و از مبارزه درنگ ناپذیر محرومان و ظالمان سخن می‌گوید» (عمرانی، ۱۳۸۱: ۱۲).

فرهنگ عوام در هر منطقه نمایانگر و شناسانده‌ی همه احساسات علایق، نیازها و تحول فکری مردم آن منطقه است و شرح احوال آنچه که بدان افتخار کرده‌اند و یا دوستش می‌داشته‌اند. «نخستین کسی که کلمه folklore را پیشنهاد کرده، عتیقه شناسی انگلیسی w. j. thoms بود که در سال ۱۸۴۶ با نام مستعار امبرواز مرتن (Ambrose marten) این واژه را که خود وضع کرده بود، در نوشته‌های خود بکار برد» (امام اهوازی، ۱۳۷۴: ۱۸).

گردآوری فرهنگ عامه، یک ملت و منطقه را صاحب شناسنامه و پیشینه‌ی می‌کند و انسانیت را در نهاد آدمی بوجود آورده و او را تا اوج قله‌های کمال هدایت می‌کند. «اصولاً وجود فرهنگ، همان نفس و ذات زندگی است، جوهر هستی است که به انسان انسانیت می‌بخشد و ارزش بخشیدن به فرهنگ مردم، در واقع ارج نهادن به مردم است به این خاطر که مردم از فرهنگشان جدا نیستند و این فرهنگ آن‌هاست که آن‌ها را می‌سازند و به آنان ارزش می‌دهد» (بیهقی، ۱۷) در واقع فرهنگ عامه «بهترین عاملی است که ملت‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند و پیوند دوستی و رابطه‌ی معنوی آن‌ها را مستحکم می‌سازد و آشنایی و دوستی ملت‌های جهان با هم، وثیقه‌ی صلح و آشتی آن‌ها با همدیگر و نابود کننده یا لاقط تخفیف دهنده و دشمنی‌ها است» (همایونی، ۱۳۷۱: ۲۲).

پژوهشش در فرهنگ عامه و ادب شفاهی سبب معرفی، ترقی، توسعه و پیشرفت یک منطقه خواهد بود. برای این که فرهنگ گذشته‌ی یک منطقه رابطه اش را با مردم جامعه حفظ کند و با گذشته پرافتخار خود آشنا شوند و آن را از دست ندهند باید در مرحله نخست فرهنگ عامه را گردآوری



نمود و بعد به تحلیل آن پرداخت. چرا که این برای ما مهم است که نسل گذشته چگونه می‌زیستند، چگونه غذا می‌خورند و چه آداب و رسومی داشتند. این مقاله دو گونه از انواع شفاهی مردم هرمزگان (چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها) را مورد بررسی و موشکافی قرار می‌دهد. هرچند پژوهشگرانی که در ذیل می‌آید بخش‌های اندکی از کتب خود را به ضرب‌المثل اختصاص داده‌اند. اما هیچ کدام به صورت تخصصی بدان نپرداخته‌اند. از آن جمله اند: ترابی زاده، عبدالحمید (۱۳۸۸) فرهنگ مردم فین و مارم، تهران، همسایه: کتاب جستاری در فرهنگ و گویش مردم فین و مارم است که بیشتر به اصطلاحات، ضرب‌المثل مردم بخش فین و مارم از توابع شهرستان بندرعباس پرداخته است. سایبانی، احمد (۱۳۶۹) فین بندرعباس، همسایه: آقای سایبانی فصلی از این کتاب را به چیستان و ضرب‌المثل اختصاص داده است. سهراب سعیدی در نشر دار التفسیر در سال ۱۳۸۷ هزار چیستان مینابی را جمع‌آوری و چاپ کرده است. همینطور ایشان کتابی با عنوان ضرب‌المثل در میناب به صورت میدانی جمع‌آوری و چاپ نموده است و در نهایت احمد قتالی نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌های شهرستان بندر خمیر هرمزگان را چاپ کرده است اما تا کنون هیچ تحلیلی در مورد ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها صورت نگرفته و در مورد نقش حیوانات در ضرب‌المثل‌های هرمزگان موضوع تازه‌ای است. برای بررسی این پژوهش ابتدا از روش کتابخانه‌ای برای بیان تعاریف استفاده شد و برای تحلیل ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها اساس کار دو کتاب چاپ شده سهراب سعیدی در این خصوص است. در این مقاله تلاش بر این است که با بر شمردن بخشی کوتاه از ادبیات شفاهی میناب، نسبت به حفظ و انتقال آن گامی هر چند کوچک برداشته شود.

بحث اصلی و تحلیل

ضرب‌المثل

ضرب‌المثل‌ها جملاتی کوتاه، اما پرمغز و مفیداند که گاهی با مفاهیم عمیق و بلند همراهند و از گذشته‌های دور سینه به سینه و به صورت شفاهی، به مثابه گنجینه‌ای گرانها و ارزشمند از نیاکان، برای ما بجای مانده است. اثری که یک ضرب‌المثل در گفتار دارد شاید ساعت‌ها سخن گفتن و نوشتن نداشته باشد.

دکتر سیروس شمیسا می‌نویسد: «ضرب‌المثل جمله‌ی است کوتاه به نظم یا به نثر و در بردارنده پند



و دستور اخلاق و اجتماعی که با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و روانی شنونده را در افکار عمیق فرو می‌برد و آن جمله را از گوش به اعماق قلب خود می‌فرستد و انفعال و هیجانی در نفس او بوجود می‌آورد و این نوع کلام که از لطایف علم بدیع شمرده می‌شود آنچنان است که گوینده در کلام یا شاعر در بیت خود مطلبی می‌گوید که طبایع آن را قبول کند و در زبان‌ها افتد و بدان تمثیل نماید.» (شمیسا: ۱۳۷۴: ۲۸۸).

در تعریفی دیگر بهمنیار مثل را چنین تعریف می‌کند: «مثل جمله‌ای است مختصر، مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به واسطه روانی الفاظ، روشنی معنی و لطافت ترکیب بین عام مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در محاورات خود به کار برند. (بهمنیار: ۱۳۸۱: ۱۴)

ضرب‌المثل‌های هر ملت نشان‌دهنده افکار و روحیات آن ملت و در واقع مبین حالات و ویژگی‌های خلقی و درونی‌شان است تا جایی که محققان از این رهگذر می‌توانند به ویژگی‌های روحی و اخلاقی یک جامعه پی ببرند.

نمونه‌ای از ضرب‌المثل‌ها

?agey naren ?agey boduš

- آگی نرن آگی بدوش

معنی: می‌گویند بز نر است ولی باز می‌گوید شیرش را بدوش. کاربرد: کار اشتباهی است ولی فرد اصرار به انجام دادن آن دارد. این مثل در مورد افراد لجباز به کار می‌رود.

- اسپون نعل اکتن گیرغ پاخوتکن ادیت

?aspon na?l ?akonen girey pāxu takon ?adeyt .

فردی که توانایی انجام کاری را که دیگران از عهده آن بر می‌آیند را ندارد و ادعای واهی دارد.

- آگه سالار دلی بکشت شیر انری اکشت.

?aga sālār deli bekašet šir ?enari ?akašet.

افراد با سعی و تلاش به خیلی از چیزهای محال هم می‌رسند.

?eštōr negāh be dur ?akont

- اشتر نگا به دور اکنت

شتر نگاهش به دور است و فاصله‌های زیادی را به راحتی می‌بیند. منظور کسی است که آینده



نگریش نسبت به موقعیتی که در آن قرار دارد خوب می‌باشد.

?ādaftar gāvi xaw آ دفتر گاواى خو

در مقام تهدید طرف مقابل به کار می‌رود، یعنی هر چه تا حالا مهربانی کردم بس است.

?e barkate mišon saromparišon - ا برکت می‌شون سرم پریشون

از برکت سرمیش‌ها بود که وضع خوبی دارم

?eštōr dozakā be xez xezakā - اشتر دوزکا به خز خزکا

به سینه خیز رفتن و شتر دزدیدن. این کنایه نسبت به کسی به کار می‌رود که از شیوه درستی برای رسیدن به هدف استفاده نمی‌کند.

اسپ که به کوچکی تعلیم ندیدی به گپی نادین

?aspe ke ba kučeki ta?limnadidi bagapi nādin .

اسپی که به در زمان کوچکی تعلیم نیافته در سن پیری هم تعلیم نمی‌گیرد.

?eštōr xoben bāri panba bobut - اشتر خوبن باری پنبه بیوت.

جون خوبن لوی پر خنده بیوت.

javon xovben lowvi por xand a bobut .

شتر خوب است بارش پنبه باشد جوان خوب است لبش پر خنده باشد.

- آگه آوتیت که مردم به تو نخندن.

?aga ?eytet ke mardom be tu naxanden mada

.xaret mardom bebanden مده خرت مردّم ببندن.

اگر می‌خواهی مردم به تو نخندن مده مردم الاغ تو را ببندند.

- بار نرود نزد خر، خر رود نزد بار.

bār naravd nazde xar, xar ravad nazde bār.

کنایه از آدم مغرور است و همچنین کسانی که از زیر بار شانه خالی می‌کنند.

- به تورگ آگت برو به سغ آگت بگه.

be turge ?ageyt boro be say ?ageyt bege .

به شغال می‌گویی برو به سگ می‌گویی بگیر. هر گاه بخواهند شخص دو رویی را به خاطر



ریاکاریش سرزنش کنند این ضرب‌المثل را به کار می‌برند.

-به خوردن شه پلنگن به بردن خر لنگن

be xwarden šah palangen be borden xare langen .

این مثل در مورد افرادی به کار می‌رود که در پخت غذا اصلاً همکاری نمی‌کنند ولی در هنگام غذا خوردن بیشتر از همه می‌خورند.

- بز که آجلی برست سر نه سیلک صحب خو اکنت.

boz ke ?ajali beraste sarna silake sahabe xo ?akont .

مرگ بز زمانی فرا می‌رسد که سرش را در سبد پر از خرما می‌کند. این ضرب‌المثل برای اشخاص قدرشناس بکار می‌رود که حق نان و نمک را رعایت نمی‌کنند و نسبت به ولی نعمت خود بی‌اعتنا هستند. و منظور کسانی هستند که می‌دانند این کار برای آن‌ها ضرر دارد ولی انجام می‌دهند.

- بیچاره تویی که خرنداری از گاو و علف خبر نداری.

bičāra toyi ke xar nadāri ?azgāv-o-?alaf xabar nadāri

- به اشتر اگن دومت بچه واپسن، اگت چه‌موم مس هر کسن.

be ?eštōr ?agan dumet beče vā pasen. ?ageyt čehmom mese harkasen.

به شتر گفتند چرا دمبت به عقب است در جواب گفت چشم مانند دیگران است.

-- تا نباشد نر کی ماده نیارد خر کی.

tā nabāšad narki māda nayāred xaraki

تا نره خری نباشد ماده خر، بچه‌ای به دنیا نمی‌آورد. معادل تا نباشد چیز کی مردم نگویند چیزها

- تورگ لوی به انگور نارست اگیت ترشین.

turg lowvi be ?angur nāraſet ?ageyt torošen .

شغال دستش به انگور نمی‌رسد می‌گوید ترش است. کنایه از بهانه جویی افراد در مورد کاری که از عهده آن بر نمی‌آیند.

- تو نبودی دیگری پالن زند بر خری.

tu nabudi digari pālon zanad bar xari

har xare?az ?āri rahvār tari

هر خر از آن رهوارتری



این مثل زمانی به کار می‌رود که کسی نخواهد زیر بار منت دیگران برود.

- تا زیر پالن نری حال خرنای فهمی

tā zire pālon narey hāle xar nāfahmi

تا گرفتار نشود نمی‌داند چه خبر است.

- تو اول سوار خرب بعد پاون خوتکون‌هاده

to ?avval sovāre xar ba bad pāvon xo takon hāda .

اول سوار الاغ شو بعد پاهایت را تکان بده تا برود. کنایه از کسی که سلسله مراتب کاری را رعایت نمی‌کند.

- تف به بالا بکردم به سبیل‌من به زیر بکردم تو ریش‌من.

tof be bālā bekardom be sebilomen be zir be kardom turišomen .

آب دهان به طرف بالا پرت کنم روی سبیل‌من می‌ریزد و به طرف پائین پرت کنم ریش‌من می‌ریزد. کنایه از کارهایی که نتیجه و عواقب آن متوجه خود فرد می‌شود.

- تخصیر تورگ خودیشن که چو کلکن واسنگی از نن.

taxsire turg xodišen ke čukalakon vā sangi ?azanen .

خود شغال مقصر است به همین خاطر بچه‌ها او را تنبیه می‌کنند. درمورد افراد بی‌بندباری بکار می‌رود که به خاطر عمل بدشان تنبیه می‌شوند.

xodā be xari dike šāxi nadā

- خدا به خری دی که شاخی ندا

خدا الاغ رو دید که شاخ بهش نداد. کنایه از این که بعضی از افراد لیاقت و ظرفیت بعضی چیزها را ندارند.

- خدا نکنت که به دست به آدست محتاج بیوت.

xodā nakont ke ye dast be ?ādast mohtāj bebut .

خدا نکند که کسی به کس دیگری محتاج باشد. کنایه از گله فرد محتاج نسبت به اطرافیان است.

- خبر رسی به گرگن که عابدین خری خریدن.

xabar rasi be gorgon ke ?ābedin xari xariden .

به گرگ‌ها خبر رسید که عابدین الاغ خریده است. کنایه از این که فوراً آمدند.



- خرس که به آدم ندینت وا دو پا راه اریت.

xers ke be ?ādam nadint vādo pārāh ?areyt .

خرس هنگامی که چشمش به انسان نیفتد با دو پا راه می‌رود. کنایه از این که خیلی آب زیرکاه و زیرک است.

- خر ما که بار نین چک چک ماکاری نین.

xare māke bāri nin čok čoke mākari nin .

الاغ که بار ندارد به نهیب و سر و صداهای ما بی توجه است.

xare xo eapolradike

- خر خو ایل ردی که

الاغش را از روی پل عبور داد. کنایه از این که کارش به پایان رسید و نتیجه داد.

- خری که زیاد سرغ بزنت چاخ نابوت.

xari ke ziyād sarey bezant čāxnābut

خری که زیاد صدا دهد چاق نمی‌شود. در مورد کودکی که در ایام طفولیت زیاد گریه می‌کند به کار می‌رود.

- خر به خر افتاد و تا زیانه به چوب.

xar be xar oftād-o-tāziyāna be čub .

- خر خسته و صاحب خر ناراضین.

Xar xast-o- sāheb xar nārāziyen .

الاغ خسته است ولی صاحب الاغ ناراضی است. کنایه از این که هیچ گاه بالا دست از زیر دست راضی نمی‌شود.

xar koren yonja ziyāden

-خر کورن یونجه زیادن

الاغ نابیناست و گرنه علف زیاد است، کنایه از این که اگر اراده باشد تمام کارها درست می‌شود.

- خبر شو دا به گرگن که محمدک خری خریدن.

Xabar šo dā be gorgonke mahmadak xari xariden .

به گرگها خبر دادند که محمد الاغ خریده است. کنایه از این که افراد سودجو هر موقعیتی که بدست آورند جهت مال اندوزی از آن استفاده می‌نمایند.



Xare lang bāri bešteren - خر لنگ باری بشترن.

الاعی که لنگ باشد بارش هم بیشتر است. کنایه از این که افراد تهیدست گرفتاریهایشان بیشتر است.

- خدا نکنت بن خری به دستی هادن.

Xodā nakont bane xari ba dasti hādan .

خدا نکند بندالاعی را به دستش بدهند. کنایه از انسان کم ظرفیت است.

xar ?āxore xo gom nākont - خر آخور خوگم ناکنت

الاع آخور را گم نمی‌کند. کنایه از این که هر کسی به کارش آشناست. که پاکن وک وک سغون چه باکن.

daryāyike pāken vakvake sayon čebāken .

فردی که بی گناه است از تهمت دیگران باکی ندارد.

ru ?eštor sayi geti - رو اشتر سغی گتی.

روی شتر نشسته بود ولی سگ او را گاز گرفت. کنایه از این که امر محالی صورت گرفت. یا این که فلانی بدشانس

زور خری ناکنت و اپالوم آگت.

zure xari nākont vāpālomi ?alaget .

دستش به الاع نمی‌رسد با پالن الاع دعوا می‌کند. کنایه از این که شخص که با افراد قوی نمی‌تواند درگیر شود افراد ضعیف را انتخاب می‌نماید و آن‌ها را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد.

sa?y bokon say čarbi na bat - سعی بکن سغ چربی نبت

تلاش کن و نگذار سگ چربی را ببرد. کنایه از این که کاری که نباید انجام بگیرد انجام نگیرد.

say vāzi kerden bandi bastišen - سغ وازی کردن بندی بستیشن

سگ را رها کرده و بند آن را بسته است. کنایه از این که کارها را معکوس انجام می‌دهد.

sir xabar ?e gošna ?ininen - سیر خبر اگشنه اینین

سیر خبر از گرسنه ندارد. معادل سواره خبر از پیاده ندارد.



- Saye ken saye mom dādi - سغ کن سغ مم دادی.
سگ کیه سگ مادر دادی. کنایه از انسان بی قدر و منزلت.
- sayon ?e nātavoni mehrabonan سغون اِناتونی مهر بونن
سگ ها از ناتوانی مهربانن
سغ اگه آفهمی که خارک تو گلوی گیر اکنت نای خو.
- Say ?aga ?afahmidi ke xārak tu galuvi gir ?akont nāya xwa .
سگ اگر می دانست استخوان در گلویش گیر می کند آن را نمی خورد.
- Sofrake xāli bu pālone xari kon - سفره که خالی بود پالن خری کن.
سفره که خالی شد آن را پالان خرش کن. کنایه از این که چیزی که ارزش ندارد از آن دوری کن.
- Kahte xaron xare ?abdorrahmon - کحط خرن، خر عبدالرحمن
kahte zanon zane soleymon کحط زنون، زن سلیمون.
از کحط و نبود خرها، خر عبدالرحمن و از نبود زن، زن سلیمان.
- kahri-o- šahri - کهری و شهری
یک گوسفند و یک شهر! کنایه از این که یک گوسفند برای پذیرایی یک شهر اندک است
- کس دست نه چهم خودی نازنت.
- kas dast na čehme xodi nāzant -- گووه ما خودی کور بهنیشن که خر لغتی زدی.
gowvu- mā xodikura bohneyšen kexar layati zadi
عروس ما از همان اول کور بود ولی بهانه آورده اند که الاغ به آن لگد زده و کورش نموده است.
- گربه میو میو اِ مم خود یاد اگنت.
- gorba miyow miyowe ?amom xo yād ?agent .
گربه میو میو کردن و حرف زدن را از مادرش یاد می گیرد.
- gorba ?e xiti konta ?akuret - گربه اِخیطی کنته اکورت
گربه از خجالتی به تنه ی درخت چنگ می زند.



- گووه که مُمی تعریفی بکنت لایک دم بشکیشن.

gowvu ke momi ta?rifi bokont lāyeke dam boški šen

عروس و یا دختری که مادرش از او تعریف و تمجید کند لایق منزل پدرش است.

gape zešt zire xešt

- گپ زشت زیر خشت.

هرگز سخنان زشت و ناشایست را بر زبان نیاور

lāyek har xar nabāšad za?ferān

- لایک هر خر نباشد زعفران

زعفران لایق و شایسته الاغ نیست. کنایه از این که همه‌ی افراد لیاقت چیزهای باارزش را ندارد.

- مهمون آگه یک نفره گام اکشت.

mehmon ?aga yak nafara gām ?akošta .

مهمان اگر یکی بود برای پذیرایی از او گاو می‌کشتم. کنایه از در اهمیت کم بودن تعداد مهمانان.

- نه خود خورم نه کس دهم گنده کند به سخ دهم.

na xod xwarom na kas dahom ganda konad be say dahom .

نه خودم می‌خورم و نه به کسی می‌دهم و گندیده می‌شود و به سگ‌ها می‌دهم. کنایه از انسانهای

خسیس و حریص است که هر چه خود لازم نداشته باشند به دیگران هم نمی‌دهند.

- ناخونده طلب به سوی مردمون گربه رود.

nā xonda talab be soye mardomon gorba ravad .

دعوت نشده به مهمانی پاورچین، پاورچین می‌رود. کنایه از کسی که بدون دعوت و طلب کردن

دزدکی به جایی می‌رود.

واشاه فالوده ناخوت واگر به سه خارک

Vā šāh fāluda nāxat-o-vāgorba sexārak .

با شاه فالوده نمی‌خورد و با گربه استخوان ماهی. کنایه از این که شخص متکبری است که به

دیگران اعتنایی نمی‌کند.

- هم مهمونی خاله آرم، هم خر خو سواری اکنم.

ham mehmoni xāla ?aram ham xare xo savari ?akonom

هم با الاغ به مهمانی خاله‌ام می‌روم و هم خرسواری می‌کنم. کنایه از این که با یک تیر دو نشان



می‌زنم.

- هر که اشتری بو بالا خودی زیری هم اتاره

har ka ?oštorey bo bālā xodi ziri ham ?atāre .

هر کس که شتر را سرپا کرد خودش هم باید آن را پائین بیاورد.

- هر که بدنّت شأن کارآسون بریتاروزگار

har ka bodontā šane kār ?āson beritā rowzegār

هر که ندونتتا شأن کار مٹِ خبریت زیربار.

har ka nadontā šane kār mase xar berit zirebār .

هر کس قدر و ارزش کار را بداند روزگار برایش به آسانی می‌گذرد ولی هر کس قدر و منزلت

کار را نداند روزگارش مانند الاغی است که زیر بار باشد و به او به سختی می‌گذرد. کنایه از

درست کار کردن.

har če narosten gā korikāšten

- هر چه نروستن گاکوری کاشتن

هر چه سبز نشد آن را گاو کور کاشته است این مثل درمورد فرد بی گناهی به کار می‌رود که به

عمد به او تهمت زده‌اند.

هر چه نخورن دهندبه سغون میرحاجی

har če naxoran dahand be sayone mirhāji

هر چیزی نخوردند می‌دهند به سگ‌های میرحاجی. کنایه از این که چیز با ارزشی را به او

نمی‌دهند.

- همساده که دیدن همساده نبوت

hamsāda ke didane hamsādey nabut

?ageyt luowe sayi kajen

اگیت لو سغی کجن

همسایه که نمی‌خواهد همسایه خود را ببیند می‌گوید دهان سگ او هم کج است. کنایه از بهانه

جویی.

-یه بُبو تا دیگری پالن گذارم برخری.

ye nabow tā digari pālon gozāram bar xari.

این الاغ نباشد یکی دیگر پالان را بر روی الاغ دیگری می‌گذارم.



تحلیل ضرب‌المثل‌ها

بررسی مختصر ضرب‌المثل‌ها، خصایص فرهنگی، سیر تفکر و اندیشه و تحول زندگی مردم از گذشته‌های دور تا امروز را به ما می‌نماید از این رو ضرب‌المثل‌ها اهمیت می‌یابند. اهمیت ضرب‌المثل به لحاظ مضمون‌های ارزشمند آنان در بیان پند و عبرت و تاریخ بر همگان معلوم و هویداست و در هر شهر و روستایی ضرب‌المثل‌هایی در بین آن مردم رایج است که نشان‌دهنده قدمت و شناسنامه و پیشینه‌ی تاریخی آن ملت است. در این ضرب‌المثل‌ها نکته‌های فراوانی نهفته است از رسم و رسومات گذشتگان ما را باخبر می‌سازد که نیاکان ما چگونه زیسته‌اند، چه خورده‌اند و چگونه آداب و معاشرتی داشته‌اند. همه‌ی اقوام ایرانی دارای مثل‌هایی هستند که اغلب آنها در دنیای امروز و عصر حاضر نیز به کار می‌رود به این گونه که هر گاه در محاورات روزمره مان گفتار اثر نکند از ضرب‌المثل مدد می‌گیریم و آن مثل را بعنوان شاهد و مهر تأییدی بر حرف‌هایمان می‌افزاییم.

ضرب‌المثل‌های رایج در هرمزگان با نقش حیوانات معمولاً با این محتوا هستند: پند و نصیحت افراد لجباز، نکوهش افراد لاف‌زن، آینده‌نگری، تهدید دیگران، فرصت‌طلبی، تعلیم یافتن، شاد زیستن در جوانی، نکوهش افراد مغرور، شانس و اعتقاد به شانس، دو رویی، قدر نشناسی و نگهداری حق نان و نمک، لیاقت افراد، گله از اطرافیان، آب زیرکاه بودن بعضی از مردم، راضی نبودن فرادستان از فرودستان، سودجویی و موقعیت‌طلبی بعضی از افراد، نصیحت مردم جهت دوری نمودن از امور بی ارزش، دوری از خساست و بهانه‌جویی و... است.

از بین حیواناتی که در ضرب‌المثل‌ها به کار رفته نقش و تعدد «خر» (الاغ) بیشتر از دیگر حیوانات بوده است که آنهم در مقام نکوهش فرد از بی عقلی و سبب افتادن به رنج و زحمت است. بعد از «الاغ»، «سگ» بیشترین حضور در ضرب‌المثل‌ها دارند، «گاو» و «شتر» نیز از حیوانات پر کاربرد در ضرب‌المثل‌های رایج در هرمزگانند در کل حیواناتی که در ضرب‌المثل‌های هرمزگان ایفای نقش می‌کنند از این قرارند: «الاغ»، «گوسفند»، «اسب»، «گاو»، «گره»، «میش کوهی»، «شغال» (تورگ)، «پلنگ»، «گرگ»، «خرس» و گربه.



چیستان‌ها

چیستان‌ها زاده شب‌های دراز و ایام فراغت پدران و مادرانی است که برای پند دادن و انتقال مفاهیم آموزنده به جوانان و کودکان آن‌ها را پدید آورده‌اند؛ چیستان‌ها متعلق به دوران و قشر خاصی از مردم نمی‌باشد بلکه از کهن‌ترین زمان، در میان همه قوم‌های ابتدایی و مردم جامعه‌ی سنتی، کاربرد داشته است.

«کهن‌ترین چیستان‌های جهان که تاریخی بس دراز دارند، چیستان‌های به دست آمده از فرهنگ‌های هلنی، ودایی و سامی هستند. این چیستان‌ها، قبلاً به صورت معماهایی پیچیده آمده بودند. آن دسته از چیستان‌های کهن اولیه که هنوز در مدار زندگی کنونی رواج دارند و کمتر دستکاری و پرداخته شده‌اند، اساساً همان توهمات استعاری درباره‌ی شباهت میان چیزهای طبیعی را حفظ کرده‌اند» (پوتر: به نقل از چیستان‌نامه‌ی دفولی: امام‌اهوازی، ۱۳۷۹: ۲۱)

در فرهنگ ایران به ظاهر، کهن‌ترین چیستان‌ها در رساله‌ی «مادیانی یوشت فریان» به صورت مکتوب به جا مانده است، که به زبان پهلوی است که در اواخر دوره‌ی ساسانی تدوین شده است و بعدها متن آن ویرایش شده است؛ در این رساله: «در این رساله اخت جادوگر به بهانه‌ی سرکوب مردمان شهری، چیستان‌هایی برای مردم مطرح می‌کرد و کسانی را که نمی‌توانستند پاسخ بگویند، می‌کشت. و سرانجام نوجوانی پانزده ساله به نام «یوشت» به چیستان‌های او پاسخ می‌دهد.. (همان، ۲۲)

اما در روزگاران گذشته، چیستان‌ها را در نشست‌های خانوادگی به ویژه در شب‌های زمستان می‌گفتند. «ساختار چیستان‌ها آمیزه‌ای از هوش آزمایی، ادبیات و بازی ذهنی است. این گونه ادبی، دیرینه‌ای بلند دارد. انسان‌ها در روزگاران گذشته همیشه در پی آن بوده‌اند که با ابزارها و آزمون‌هایی اندازه‌ی هوش کودکان و بزرگسالان را بیازمایند. چیستان‌ها، بهترین ابزار برای اندازه‌گیری هوش و توانایی ذهنی بوده‌اند و آن‌ها را در کانون خانواده یا گردهمایی‌ها با دیگران در میان می‌گذاشتند.» (محمدی و قاینی، ۱۳۸۵: ۶۶).

چیستان‌ها معمولاً به دو صورت مکتوب و غیر مکتوب و به صورت نظم و نثر به دست ما رسیده است، چیستان‌های منظوم معمولاً زاده‌ی اندیشه و احساس گروهی شاعر بوده است که از لابه لای دیوان‌های آنها می‌توان یافت. چیستان‌های غیر مکتوب معمولاً گوینده‌ی شناخته شده ندارد و بیشتر



بررسی اندیشه‌های احمد غزالی*
دکتر اسماعیل اسلامی، علی شهمرادی

نوع تلقی و برداشت جمعی مردم را از پدیده‌های اطراف می‌نمایاند، البته این گونه چیستان‌ها نیز به دو صورت نظم و نثر جلوه گر می‌شود و با ترکیبی ساده و زبانی روانی که دارند فهم پذیر عامه در جامعه‌ی شهری و روستایی می‌گردد. و از این طریق می‌توانند اطلاعات زیادی را کسب نمایند. در واقع اطلاعات زیادی که از حل چیستان‌ها نصیب افراد یک جامعه چه کودک یا بزرگسال می‌شود در ابتدای امر آشنایی با علوم و فنون مختلف است و تاثیر آن در روند یادگیری بر همگان کاملاً مشهود است یکی از مهمترین تفاوت‌های که چیستان با سایر موارد ادبیات شفاهی دارد این است که علاوه بر کسب اطلاعات استفاده‌ی آن برای پر کردن اوقات فراغت پر رنگ تر است و چون هیچ نمره‌ای در کار نیست کودکان بدون دغدغه‌ای به دنبال یافتن پاسخ هستند و تجربیات مفیدی را برای زندگی آینده چه از نظر فردی و اجتماعی از چیستان‌ها می‌آموزند که در هیچ کلاس درسی به این تجربه‌ها نمی‌رسند.

نمونه‌ای از چیستان‌ها

«چیستان در شمار گونه‌های دیگر آفرینش‌های ادبی ذهن آدمیزادگان، مانند اسطوره، افسانه، قصه، ضرب‌المثل، از نخستین و فراگیرترین نوع اندیشه‌ی به قاعده و ضابطه درآمده در فرهنگ بشری بوده است» (امام اهوای، همان: ۲۰)

در هرمزگان سؤال چیستان که در اصطلاح محلی آنرا، بر (bar) می‌گویند. آچن (?āčēn) که مخفف آن چیست است شروع می‌شود و گاهی نیز از لفظ کی و که، چه و کدام و چن چن استعمال می‌شود. که همگی در برگیرنده سؤال و نوعی سخن استفهامی هستند در چیستان معنی‌ای از معانی را در کسوت عبارتی مشکل متشابه می‌پرسند. چیستان سخنی بسته و پوشیده در وصف و سنجش چیزی با چیز یا چیزهای کاملاً متفاوت دیگر است. در چیستان معمولاً ویژگی و نشانه‌هایی از چیزی را به استعاره و کنایه برای آزمودن هوش شنونده بیان می‌کنند و از او نام آن چیز را می‌خواهند. در میان چیستان‌های بسیاری از مردم هرمزگان که جمع‌آوری نمودیم در اینجا مبادرت به آوردن نمونه‌هایی از مشهور و پرآوازه ترین چیستان‌های در مورد حیوانات می‌نمایم.

✦ صددرن سیددرن هر در مثل چهم خرن.

sad daren sisad daren har dar mesle čehme xaren



معنی: صد در است، سیصد در است هر در مثل چشم الاغ است.

جواب: قفس

✦ صهن و صهن، سغ نن بال اچین مرگ نن

Sehen-o-sehen say nan bāl ?ačiynt morg nan

✦ بار ابت خر نن، سیاهن مثل بز وله بز نن.

bār ?abat xar nan siyāhen mesle boz vale boz nan

معنی: سگ نیست می پرد ولی مرغ نیست بار می برد الاغ نیست سیاه است مثل بز ولی بز نیست.

جواب: سوسک سیاه

✦ خر سیاه جل اکنی دل بچون خوش اکنی

xare siyāh jol ?akoni del bačavon xwoš ?akoni

معنی: خر سیاه جل می کنی دل بچه‌ها را خوش می کنی.

جواب: تابه

✦ گاوی دیدم اندرین مرغزار خودی یک

gāvi didam ?andarin maryzār xodi yak

✦ پایش هزار، من ندیدم مثل او چابک سوار.

pāyaš hezār man nadidam mesle ?o čābok savār

جواب: قلم

✦ حوضی که نهجید از او موجش به میان از

howzi ke najombid? az ?o mowjaš be meyan? az

✦ آن حوض بنوشند همه جانوران نه جانورانی که

?ān howz be nuvšand hame jāne varān na jānevarani ke

✦ پرند به هوا از اسب و خرو شتر و آدمیان.

parand be havā ?az ?asb-o-xar-o-šotore-o-?ādamiyān

جواب: پستان مادر

✦ آچن به سر یگ، گردون دو تا پایها دارد

?āčēn be sar yek garden do tā pāyhā dārad

✦ گاو زرد لاغری م اکشم توناخوری.

gāve zarde lāyari me ?akošom to nāxwari



معنی: گاو زردی است که من او را می کشم ولی تو آن را نمی خوری.

جواب: زنبور «سورک»

✦ خر نکلن دو گوشى درن

xar nakalen do guši na daren

معنی: خردرون چاله است ولی دو گوشش بیرون است

جواب: کدو

✦ خر سیاه جول اکنیم دل کوچکن خوش اکنیم

xar siyāh jol ?akonim del kučekon xwaš ?akonim

معنی: خر سیاه را رام می کنیم و دل کودکان را خوش می کنیم.

جواب: تاوه

✦ اسر کوه اره اسر کوه اره اره.

?e sare kuh ?ara ?ara ?āsare ku ?ara ?ara .

✦ میان کوه گوشت پره

mayon kuh guvâra bara .

جواب: دهان و دندان

بزسبز چمن ورک ورک (ورق، ورق) اشکینت.

boze sabze čaman varak varak ?aškani .

معنی: گوسفند سبز چمن، آنرا برگ برگ کنی می شکند.

جواب: کاهو

✦ خر تو کتوک گوشى درن.

xar tu kotuk guši daren .

معنی: خردسوراخ است ولی گوش آن بیرون است

جواب: شمشیر

✦ کهر کمرى زیر کم شرایه

kahre kamari zire kam šarāye .



معنی: گوسفندی زیر یک پر نگاه در حال چریدن است.

جواب: چشم

✦ مگه کربلا بگو گاموشن بصره

ma ga karbalā be ga gāmuvšone basra.

معنی: مگو گاومیش های کربلا بگو بصره

جواب: حیوان

اشتر مردن ریتکی اگر دیدن

?eštōr morden ritekoni ?agardidenen .

معنی: شتر مرده ولی روده هایش در حال رفت و آمد هستند

جواب: اتاق و آدمیان در آن

پشت خانه ی بیت کور شاهن

Pošte xāneye bapet kur šāhonen

معنی: پشت خانه ی پدرت کور پر است.

جواب: رد شتر

✦ تالی کمری تا بستت اچرت

tāli kamari ta basten ?ačaret .

✦ وقتی بازش کردی امرت

vakti bāzeš kardi ?ameret .

معنی: گوسفند تالی تا بسته است در حال چریدن است ولی وقتی ان را باز کردی می میرد.

جواب: هندوانه

✦ یک دنگ و دودنگ هشت پادودنگ

yak dang-o- do dange hašt pā-vo- dodange

معنی: یک دانه، دودانه، هشت پا و دودانه

جواب: دو گاو و هشت تا آدم

✦ حَجِّجُ مَجِّجُ چار بند گاو چهار گوش

hajejo majejo čār bande gā-vo- čār guš



✦ وچارپاوڈم هشت دست پا

-o- čār dom-o- hašt dasto pā .

معنی: حج و معجج، چهار بند گاو و چهار گوش و چهار دُم و چهار دست و پیدارد جواب: گاو نر که

شخم می‌زند

✦ سهن مسی نه میون گاون کوتن

sahne mesi na miyon gāvon kowten .

معنی: بشقاب مسی اندر میان گاوها افتاده است

جواب: مهتاب

✦ گربه که م نگم نین ده تیروفشنگم نین

gorba ke me nagam nin dah tir-o- fešangom nin

✦ مردی بجنگم نین تولى که اگی دارم

mardi bejangom nin tuli ke ?agaei dāram

✦ بین پنجه پنجه ام ز گو گاون به نرند گاون

bin panje panje ?am ze gow gāvon be narande gāvon .

معنی: گربه‌ای که من نگویم نیست، ده تیروفشنگم نیست، مردی جنگجو ندارم.

جواب: گیون

✦ اشتر زلاغری ازبس چربی هستن

?eštor ze lāyari? az bas čarbi hasten .

✦ وقت سحر نزدیکن شامگاه در زمین نه در هوامرد

vakte sahar nazdiken šāmgāh na dar zamin na dar havā

معنی: شتر ازبس چربی دارد، وقت سحر که نزدیک شد، نه بر روی زمین و نه بر روی هوا مرد.

جواب: اشتر لاغری ونی شتر چاق در وقت سحر بر روی پل مرد.

تحلیل چیستان‌ها

چیستان‌ها زاده‌ی اندیشه‌ی تیز و احساس لطیف توده مردم هستند؛ این چیستان‌ها معمولا گوینده‌ی



شناخته شده ندارند و بیشتر آن‌ها نوع تلقی و برداشت جمعی مردم را از پدیده‌های طبیعی و محیط زیست بومی می‌نمایند.

چیستان‌ها از پر طرفدارترین ژانرهای فولکلور است که در مورد اشیاء مختلف، مفاهیم گوناگون و نیز حوادث طبیعی و غیر طبیعی آفریده شده‌اند.

چیستان‌ها زاده شب‌های دراز و ایام فراغت پدران و مادرانی است که برای پند دادن و انتقال کردن مفاهیم آموزنده به جوانان و کودکان آن‌ها را پدید آورده‌اند. چیستان‌ها متعلق به دوران و قشر خاصی از مردم نمی‌باشد بلکه از کهن‌ترین زمان، در میان همه قوم‌های ابتدایی و مردم جامعه‌ی سنتی، کاربرد داشته است. در هرمزگان چیستان‌ها با عنوان حیوانات دو گونه‌اند: گونه‌ای که در خود چیستان اسم حیوانی به کار رفته و یا چیستان‌هایی که جواب آن اسم حیوانی می‌باشد. روی هم رفته در هر دو گونه از حیوانات اهلی و دم دست و رام شده جهت سنجیدن توانایی هوش و ذکاوت افراد به کار رفته است هم‌میتور از اصطلاحات و ابزار دم دست نیز بهره جسته‌اند و این هم پذیرفتنی است که فکر عوام در آن دوران فراتر از رویدادهای آن منطقه نبود. اما حیواناتی که در چیستان‌ها حضوری فعال دارند بسته به اهمیت و تکرار به این قرار اند: الاغ، گاو، شتر، گوسفند، اسب و سگ.

نتیجه‌گیری

گردآوری فرهنگ عامه، یک ملت و منطقه را صاحب شناسنامه و پیشینه می‌کند و سبب معرفی، ترقی، توسعه و پیشرفت یک منطقه می‌شود. استان هرمزگان ادبیات شفاهی غنی و بکر دارد. چیستان و ضرب‌المثل‌ها دو گونه مهم از ادبیات شفاهی آن منطقه است که توسط افراد اندیشمند پدید آمده‌اند. ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها هم از بعد مختصر‌گویی و کوتاه کردن سخن و هم از نظر تعلیم و تربیت، آموزش و پند دادن و عبرت گرفتن مهم هستند. مردم هرمزگان نیز از گذشته‌های دور با ویژگی‌هایی جادویی این دو گونه ادب شفاهی آشنا بوده‌اند و به زبان رمز و کنایه اسامی بعضی از حیوانات دم دست را به کار برده‌اند که بیشتر در پرده‌اند و پشت پرده معنای کنایی و رمزی مد نظر بوده است. در هرمزگان چیستان‌ها با عنوان حیوانات دو گونه‌اند: گونه‌ای که در خود چیستان اسم حیوانی به کار رفته و یا چیستان‌هایی که جواب آن اسم حیوانی می‌باشد.



روی هم رفته در هر دو گونه از حیوانات اهلی و دم دست و رام شده جهت سنجیدن توانایی هوش و ذکاوت افراد به کار رفته است. ضرب‌المثل‌های رایج در هرمزگان با نقش حیوانات معمولاً با این محتوا هستند: پند و نصیحت افراد لجباز، نکوهش افراد لاف زن، آینده‌نگری، تهدید دیگران، فرصت‌طلبی، تعلیم یافتن، شاد زیستن در جوانی، نکوهش افراد مغرور، شانس و اعتقاد به شانس، دو رویی، قدر نشناسی و نگهداری حق نان و نمک، لیاقت افراد، گله از اطرافیان، آب زیرکاه بودن بعضی از مردم، راضی نبودن فرادستان از فرودستان، سودجویی و موقعیت‌طلبی بعضی از افراد، نصیحت مردم جهت دوری نمودن از امور بی ارزش، دوری از خساست و بهانه‌جویی.

منابع و مأخذ

- امام اهوازی، سید محمد، (۱۳۷۹)، چیستان‌نامه‌ی دزفولی، تهران، پژوهش‌های فرهنگی.
- بهمنیاری، احمد، (۱۳۸۱)، داستان‌های بهمنیاری، تهران، دانشگاه تهران.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴)، بدیع، تهران، پیام نور.
- عمرانی، ابراهیم، (۱۳۸۱)، لالایی‌های ایران، تهران، پیوند نو.
- محمدی و قاینی، زهره، (۱۳۸۴)، تاریخ ادبیات کودکان، تهران، چیستا.
- همایونی، صادق، (۱۳۷۱)، فرهنگ مردم سروستان، مشهد، آستان قدس رضوی.